

دکتر گری میدورز، شناخت اراده خدا، جلسه ۷، جهان بینی چیست

گری میدورز و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

خب، دوباره اینجا می‌باشیم، و امیدوارم اینجا باشید و همه سخنرانی‌ها را دیده باشید. تریک می‌گویم، گوش دادن به یک سخنران برای این مدت طولانی کار سختی است. امیدوارم اسلایدها و یادداشت‌های من به لذت بخش‌تر شدن آن کمک کند. خب، داریم به بخش هفتم می‌رسیم.

دنبال کردن چیزهایی مثل این عناوین آسان است؛ در واقع، در فهرست مطالب، به آنها هفت و هشت می‌گویند. اما ما آنها را به هفت و هشت تقسیم می‌کنیم، و بسیاری از اینها کمی آشناپنداری خواهد بود. چون، من خیلی در مورد جهان بینی و ارزش‌ها با شما صحبت کرده‌ام، اما این بار می‌خواهیم کمی بیشتر کاوش کنیم. کمی بیشتر توضیح دهیم و بنابراین تکرار دوباره کلید یادگیری است و دو سخنرانی بعدی این کار را برای شما انجام خواهند داد. پاسخ به این سوال که جهان بینی چیست؟ ارزش‌ها چه هستند؟ چگونه کار می‌کنند؟ از کجا می‌آیند؟ چگونه آنها را به کار می‌گیرید؟ خب، این چیزی است که ما می‌خواهیم این چیزی است که ما می‌خواهیم اینجا بررسی کنیم. دفعه بعد که هاوارد احتمالاً با این سخنرانی چه کار کرد؟ بسیار خب، اگر مطمئن هستید که آماده‌اید به سخنرانی هفتم بروید، با دانستن اراده خدا برای تبدیل ذهن به یک جهان بینی و نظام ارزشی کتاب مقدس، این سخنرانی بر جهان بینی تمرکز خواهد داشت. نمی‌توانید در مورد یکی صحبت کنید بدون اینکه گاهی اوقات در مورد دیگری صحبت کنید، اما قرار است اکنون بیشتر به جهان بینی پردازیم زیرا این یک جهان بینی است. وقتی می‌گوییم دانستن اراده خدا، به این موضوع برمی‌گردیم؛ بلافاصله در دسته معرفت‌شناسی قرار می‌گیریم. این فناوری با ماهیت منبع و اعتبار دانش سروکار دارد.

به کتاب مقدس می‌رسیم، به خصوص در این سخنرانی در این مورد. ما بارها و بارها در مورد داستان کتاب مقدس صحبت کرده‌ایم، و فکر می‌کنم این خیلی مهم است. درست است. این می‌تواند الگوی شما برای شهادت دادن به مردم و به اشتراک گذاشتن ایمانتان باشد. یک خدای ابدی وجود دارد که با خلق جهان وارد زمان شد و آدم و حوا آنجا بودند و همه چیز عالی بود. اما آنها در اطاعت از خدا شکست خوردند و هبوط اتفاق افتاد. هبوط کلید اصلی در بقیه تاریخ بشر می‌شود و هبوطی را رقم می‌زند که خدا در پی نجات دادن یک قوم برای نام خود بوده است. برخی از نویسندگان قدیمی‌تر از این استعاره استفاده می‌کنند که خدا سگ شکاری بهشت است. او مردم را تعقیب می‌کند تا به سوی او بیایند و در نهایت به کمال می‌رسد. بنابراین، شما تا الان داستان کتاب مقدس را می‌دانید. اگر قرار بود از شما امتحان بگیریم، باید بتوانید آن را از حافظه بیرون بکشید و معضل شناخت خدا را برای آن توضیح دهید. این یکی دیگر از موارد است.

این به آشناپنداری، مگه نه؟ ما هم همین مدل خدا رو داریم: هبوط، تحریف در نتیجه هبوط، و ما گیرنده‌ها هستیم. نه تنها جهان از نظر فیزیکی تحریف شده، بلکه ما هم در ذهنمون تحریف شدیم. به اثر ذهنی هبوط وجود داره که متکلمان در موردش صحبت می‌کنن. بنابراین، بشریت به دلیل تحریف هبوط قادر به شناخت خدا نیست. ما به کمک نیاز داریم، و دوباره می‌دونید که کمک از طریق ارائه کلام خدا به ما حاصل می‌شه همانطور که تا حدودی از اول قرن‌تیمان فصل ۲ دیدیم، و به اون برمی‌گردیم، بنابراین داستان کتاب مقدس و نتایج هبوط اون داستان دلیل اینه که چرا ما به رومیان ۱۲: ۱ و ۲ نیاز داریم تا اینقدر مسلط باشیم تا متحول بشیم. ما از بدو تولد گناهکار هستیم. ما مستعد مخالفت با خدا هستیم.

ما به طور طبیعی خدا را نمی‌شناسیم. ما به طور طبیعی از خدا اطاعت نمی‌کنیم. تبدیل، همانطور که ما از این اصطلاح استفاده می‌کنیم، تسلیم شدن در برابر عیسی به عنوان ناجی ماست، اینکه او اوج نقشه رستگاری

خداست و در او ما زندگی ابدی داریم و به همین دلیل است که این استعاره وجود دارد که نیکودیموس در یوحنا ۳ دوباره متولد شد و حتی نیکودیموس گنج شده بود. خدا در واقع از او انتظار داشت که بیشتر بفهمد اما واقعیت این است که او گنج شده بود. چگونه می‌توانم به رحم مادرم برگردم؟ خب، تولد دوباره بیشتر به من به عنوان یک فرد مربوط می‌شود و این کلمه‌ای که ما استفاده می‌کنیم تبدیل است. به موجب آن خدا معجزه‌ای انجام می‌دهد که ما واقعاً نمی‌توانیم آن را توضیح دهیم، اما این یک واقعیت است و ما آن را پس از پایان کار می‌دانیم، جایی که او وارد زندگی ما می‌شود و ما را به طور اساسی تغییر می‌دهد و سپس ما یک زندگی تغییر را آغاز می‌کنیم و در هسته آن زندگی تغییر، رومیان ۱۲: ۱ و ۲ قرار دارد. بنابراین، این امر مستلزم ایجاد یک جهان بینی و سپس ارزش‌هایی است که از جهان بینی ما ناشی می‌شوند. بسیار خوب، ما ابتدا این را در مورد سه فرض اساسی در رابطه با این موضوع داشتن جهان بینی کتاب مقدس می‌دانیم. خب، فرض اول این است که طبق روایت کتاب مقدس، آنها به صورت خدا آفریده شده‌اند. اوه، در پیدایش ۱ و ۲، انواع مکان‌ها، حتی در یعقوب، وجود دارد که در آنها تصویر خدا به صورت و شباهت خدا بودن مطرح می‌شود.

و ما باید این سوال را بپرسیم. بودن به چه معناست؟ اکنون، بارها در مورد اینکه چگونه خدا تفکر، احساس و انتخاب می‌کند که باشد صحبت می‌کنیم و او ما را آفریده است تا او را در این زمینه منعکس کنیم. این خوب برای این *imago dei* است. می‌توانیم کمی عمیق‌تر از این موضوع شویم. من فکر می‌کنم از عبارت لاتین تصویر خدا زیاد استفاده می‌شود. بشر نقل قول است، نماینده مادی قابل مشاهده، نه بازنمایی، بنابراین همه ما این را می‌دانیم.

این یک دانش عمومی است. ما شبیه خدا نیستیم. ما نماینده فیزیکی خدا نیستیم.

ما یک بازنمایی شخصی و اخلاقی هستیم. مقدس باشید، زیرا من مقدس هستم فراخوانی است برای نشان دادن اینکه ما به تصویر خدا هستیم. این یک بازنمایی مادی قابل مشاهده از خدای نامرئی است. مادی فقط به معنای جسم است، گویی کل شخص بازنمایی شده است. تجزیه اجزا دشوار است.

ما از تفکر، احساس، انتخاب و غیره استفاده می‌کنیم و مردم به آن می‌افزایند، اما واقعیت این است که ما نماینده کاملی از خدا هستیم. ما بازتاب او در این آثار هستیم و ما این بازتاب را زمانی به بهترین شکل ممکن انجام می‌دهیم که در طرح نجات او شرکت کرده باشیم، زمانی که تصویر مسیح را منعکس می‌کنیم، با نمایش او مطابقت داشته باشیم. او بهترین نماینده خدا بر روی زمین بود و او نماینده کامل بود، و وقتی وارد خانواده می‌شویم، نمایندگان خدا می‌شویم و این یک فراخوان بسیار والا برای کل شخص است. جدا کردن اجزا از هم اینجا از آن استفاده خواهیم کرد. اوه، من GM تصویر کافی نیست. می‌دانید، قابل استفاده است و من هم در یک جزوه دیگر از طرف شخصی به نام کلینت به شما دادم که مقاله‌ای در مورد «تصویر خدا بودن به چه معناست؟» نوشته بود. این یک مقاله ساده نیست.

می‌توانید آن را جستجو کنید. می‌توانید از طریق گوگل اسکالر به آن دسترسی پیدا کنید. من قبلاً این را به شما گفته‌ام. گوگل خوب است، اما اگر واقعاً می‌خواهید تحقیق کنید، گوگل اسکالر آرام است و می‌توانید مقالاتی مانند این و بسیاری دیگر از مقالات «درباره نیکسون» را پیدا کنید. با این حال، فکر می‌کنم مقاله کلاین بسیار مفید بود و من چکیده آن را در یادداشت‌های شما آورده‌ام، اگرچه نمی‌توانم کل مقاله را به شما بدهم. از این رو، به گفته مراجعین، تصویر خدا در انسان یک مقاله پیشرفته است که می‌توان با خواندن آن چیزهای زیادی در مورد تفسیر آموخت. چگونه می‌توان آن را باز کرد؟ شواهد ضمنی در مورد خدا و می‌توان آن را به سوال منتقل کرد.

به تصویر او بودن یعنی چه؟ من این را برای شما نمی‌خوانم. مقاله هست، اما شما باید خودتان آن را بخوانید. ما باید در مورد اینکه آدم و حوا چگونه به تصویر خدا بودند، تأمل کنیم. آنها چگونه در عدن قبل از هبوط تصمیم می‌گرفتند؟ قبل از اینکه از باغ بیرون رانده شوند، آنها آفریده شدند. آدم آفریده شد و حوا آفریده

شد. ما در کتاب پیدایش روایتی داریم که آدم کنترل خلقت را به دست گرفت. او در خلقت غالب بود. کسی این داستان را تعریف می‌کند که وقتی داشت حیوانات را به آدم نامگذاری می‌کرد، آقا و خانم خرگوش، آقا و خانم زرافه و هر اتفاقی که آنجا می‌افتاد، آنجا بودند. او به خودش آمد، آقا، اما خانم کجاست؟ سپس خدا می‌داند، برای او یآوری فراهم کرد که مناسب او بود. به عبارت دیگر، او آدم را متعادل کرد. زنان مردان را متعادل می‌کنند. ما هر دو از بسیاری جهات متفاوت هستیم و این تنوع به ما نمایندگی کامل خدا را می‌دهد. اگر مایل باشید، چون زنان نیز به تصویر خدا هستند، می‌دانید، پس در مورد اینکه آدم و حوا چگونه تصمیم می‌گرفتند، تأمل کنید. خب، خدا در عصر قدم می‌زد. او به آدم پیام‌های شفاهی داد، و ما به جز آنچه در آن بخش اولیه پیدایش می‌یابیم، سابقه‌ی دیگری از آن نداریم، اما او اطلاعات کافی برای عملکرد به آنها داد. او به او گفت که از باغ مراقبت کند تا با آن مقابله کند. خب، اگر روایت رویداد را با دقت بخوانید، به نظر نمی‌رسد که علف‌های هرز هنوز... بنابراین، آدم گوجه فرنگی و خیار و کدوی پی‌نقصی داشت. این رژیم غذایی یک جنوبی است، و به همین دلیل است که من به نوعی یک جنوبی در آمریکا هستم. در نتیجه، آدم و حوا تصمیماتی گرفتند.

خدا به او نگفت که این کار را به این روش انجام دهد. او به او گفت که این کار را انجام دهد. آنها باید آن را کشف می‌کردند و آنها چیزهای زیادی داشتند، اما او آن یک درخت را به او داد و جالب اینکه این فقط درخت احساس نیست، درخت فهمیدن نیست، درخت شناخت خوب و بد است. حالا این خیلی نمادین است، در باغ، در مورد تفاوت بین خدا و انسان. خدا بذر دانش است، نه یک انسان. و من فکر می‌کنم وسوسه در باغ برای آدم و حوا این بود که مانند خدا باشند. انگار متن تقریباً همین را می‌گوید. آنها می‌خواستند جایگاه خود را در جایگاه خدا غصب کنند و البته بعد مار به سراغ شیطان می‌آید. من معتقدم که اینجا سوالات زیادی وجود دارد. شیطان به شکل مار با آنها ارتباط برقرار می‌کند. اگر همه مارها در آن زمان در باغ صحبت می‌کردند خب، ما نمی‌دانیم، این فقط کنجکاوی جالبی است که هیچ هدف خوبی را دنبال نمی‌کند. اما شیطان اکنون آنها را وسوسه کرد، سوالات زیادی وجود دارد. من فقط این را برای شما رایگان آورده‌ام. چه زمانی شیطان سقوط کرد، و پیشنهادهایی در این مورد وجود دارد؟ یک چیز قدیمی به نام نظریه شکاف وجود دارد که فکر می‌کنم اکنون کاملاً آشکار شده است. خوشبختانه، این بخشی از یادداشت‌های کتاب مقدس مرجع اسکافیلد و اولین دوران زمین بود.

این یک توضیح بسیار ضعیف بود. این یک ساختار خلاقانه بود. باید دور ریخته شود.

من فکر می‌کنم که شیطان تقریباً همزمان با آدم و حوا سقوط کرد. رک و پوست کنده بگویم، چون شیطان در حال شورش علیه خدا بود، آدم و حوا را به شورش سوق داد. شاید به ما گفته نشده باشد. شاید درست همان زمانی که آدم و حوا سقوط کردند، شیطان نیز سقوط کرد و همه آنها به زمین انداخته شدند و شیطان به اصطلاح، از بهشت سقوط کرد. او باید یک کروی بسیار سطح بالا برای خدا بوده باشد، و چیز زیادی در مورد آن به ما گفته نشده است. حزقیال و اشعیا اشعیا ۱۴ و حزقیال ۲۸ اغلب به توصیف شیطان در باغ عدن به عنوان کسی که بود، کشیده می‌شوند. یک بار دیگر، من یک پایان‌نامه در مورد پایان‌نامه کارشناسی ارشد اشعیا ۱۴ نوشته‌ام و مقالاتی در مورد حزقیال ۲۸ نوشتم. آنها پادشاهان بابل هستند و این داستان در مورد اینکه شیطان کیست نیست. بسیاری از مردم با این فرض خود را به چالش می‌کشند و من می‌خواهم شما را به چالش بکشم که در مورد آن فکر کنید. اینکه این توضیحی برای شیطان قبل یا بعد از سقوط او نیست بسیار خوب. بنابراین، تصویر خدا بسیار مهم است، و آدم و حوا به تصویر خدا آفریده شدند. آنها در آن زمان نمایندگان او بودند، و بنابراین، بنابراین، شروع به عمل کردند. آنها شروع به انتخاب کردند، و سپس انتخاب‌های اشتباهی کردند، و اگر بخواهید، این [انتخاب‌ها] جهان را به هرج و مرج کشاند. بسیار خب.

حال، یک معرفت‌شناسی کتاب مقدسی سه فرض اساسی دارد. فرض اول این است که ما به تصویر خدا آفریده شده‌ایم و در نتیجه، ما منعکس‌کننده‌ی خدا هستیم. ما نمایندگان او هستیم و او از ما انتظار دارد که کار خوبی انجام دهیم و موجودات را با فکر و احساس انتخاب کنیم و بتوانیم در مورد چیزها استدلال کنیم.

همه اینها بخشی از خلقت خداست. اول از همه، اثر دوم، سقوط است و ما در مورد واقعیت سقوط زیاد صحبت کرده‌ایم. بیایید دیگر در مورد آن صحبت نکنیم. آنها از باغ عدن بیرون رانده می‌شوند. در اینجا متن‌های زیادی از کتاب مقدس وجود دارد.

من این‌ها را برای شما نمی‌خوانم. از شما می‌خواهم که آن‌ها را بخوانید و روایت کلی را بدانید. مهم است که برگردید و آن‌ها را بخوانید. آن‌ها از بهشت بیرون رانده شده‌اند. درخت به گونه‌ای مهار شده و محافظت می‌شود که آنها نتوانند به آن بازگردند. این به ما می‌گوید که اگر سیب یا انار دیگری یا هر چیز دیگری بخورند چه اتفاقی می‌افتد. اما واقعیت این است که کتاب مقدس تصویر می‌کند که آنها دیگر به آن چیزی که خدا به آنها داده دسترسی ندارند. وضعیت بشر، وضعیت گناه است و متونی از پیدایش تا مکاشفه در مورد آن وجود دارد و حتی رومیان از ابتدا در مورد آن تأمل می‌کنند. مرگ از آدم تا موسی سلطنت می‌کرد. مرگ گواه بزرگی بر واقعیت سقوط است. همه چیز شروع به مردن کرد. باغ آدامز ناگهان از بین رفت. او خار و خس دارد و باید با عرق پیشانی‌اش کار کند تا وجود داشته باشد. خود جهان، جهان فیزیکی، حتی در نفرین گناه آدم و حوا نیز شرکت داشت. اکنون اوضاع سخت‌تر شده است. اطلاعات زیادی در مورد آن وجود دارد و من از شما می‌خواهم که کنجکاو خود را به کار بگیرید تا ببینید این چیست. وضعیت مؤمنان. مزمور ۵۱، ۵. بنگرید، من متولد شدم و گفتم که در یک عدالت شکل گرفتم. اکنون در رحم، یک کودک تصمیم نمی‌گیرد. کودک جنین یک انسان است. من معتقدم که حتی از زمان... قطعاً لقاح تا زمان لانه‌گزینی روی دیواره رحم اتفاق می‌افتد و آن شخص از نظر پزشکی قانونی، کاری برای اجاره بها وجود دارد. اجاره بها به معنای قانونی است.

آنها از نظر قانونی گناهکار اعلام شده‌اند. گناهکار فقط یک نام و یک دسته بندی برای کسانی است که با خالق خود، یعنی شرایط انسانی، در ارتباط نیستند. شرایط ایمانداران، ما از بدو تولد گناهکار هستیم. ما از رحم مادر به عنوان گناهکار به دنیا می‌آییم. من یک خواهر کوچک دارم. من 10 سال از او بزرگترم.

من هیچ وقت معلمی نداشتم که کار اشتباهی انجام دهد. و می‌دانید، از آنجایی که او در روزهای اولیه من، قبل از اینکه به نیروی دریایی ایالات متحده بروم، بزرگ می‌شد، همیشه این کار را می‌کرد، چون این کاری است که ما انجام می‌دهیم. ما کارهای اشتباهی انجام می‌دهیم. ما انسان هستیم. ما فقط در مسیر اشتباه می‌رویم تا زمانی که درست شویم. انواع متون در مورد وضعیت ایمانداران وجود دارد. ما در گناه تیز شده‌ایم و در گناه شکل گرفته‌ایم. رومیان ۱ تا ۳ شرحی از تاریکی است. این نتیجه شورش آدم علیه خداست و ما به عنوان انسان در همان شورش متولد شده‌ایم. مسائل زیادی وجود دارد. ما یک کودک هستیم. می‌دانید، ما اینجا ساختارهای اخلاقانه‌ای داریم. ما واقعاً هیچ متن مستقیمی نداریم، اما منطقی به نظر می‌رسد که کودک تحت حمایت خدا باشد تا زمانی که به نقطه‌ای در زندگی خود برسند که بتوانند تصمیم بگیرند که از خدا پیروی کنند و این تصمیم می‌تواند پیچیده باشد زیرا همه در فرهنگ مسیحی متولد نمی‌شوند. همه در مورد این چیزها نمی‌شنوند.

این هم یک درس دیگر است، مجموعه‌ای از ویدیوها در مورد مسئله‌ی متولدین و متولدین و چیزی که آنها سن پاسخگویی می‌نامند، اگر این یک ساختار معتبر از کلیسای کریک باشد. اوه، می‌توانید آن را ردیابی کنید. به اصطلاح، هر فرقه‌ای پاسخی برای آن دارد. پرسبیتریان‌ها غسل تعمید نوزادان را دارند. اگر غسل تعمید ظاهراً از کودک تحت ایمان والدین محافظت می‌کند، تا زمانی که آن کودک به نقطه‌ای برسد که والدین او را به سمت تصمیم‌گیری در مورد عیسی سوق دهند. خب، اینها موضوعات دیگری هستند، اما وضعیت ما در وضعیت بدی است.

ما آنقدر که می‌توانیم بد نیستیم. ما هیتلر، موسولینی، همه آدم‌های وحشتناک دنیايمان، استالین و همه آدم‌های دیگر در فرهنگ‌های مختلف که قاتلان خودشیفته بودند، نیستیم. به طور خلاصه، ما حتی از نظر انسانی هم آنقدر که می‌توانیم بد نیستیم، اما تا جایی که می‌توانیم بد هستیم. زیرا تا زمانی که از طریق عیسی رابطه درستی با خدا نداشته باشیم، تا جایی که می‌توانیم بد هستیم و کلمه گناهکار به یک اصطلاح کلی تبدیل

می‌شود که اکثر مردم حتی آن را نمی‌فهمند. این به سختی به این معنی است که ما از اراده آشکار خدا سربپیچی کرده‌ایم و اینکه خدا را نمی‌شناسیم و بنابراین، ظرفیت واقعی برای اطاعت از او را نداریم. ما ممکن است کارهای خوب انجام دهیم. من گناهکاران زیادی را می‌شناسم که آدم‌های بهتری هستند. آدم‌های ناامن. من آدم‌های ناامن زیادی را می‌شناسم که فکر می‌کنم از برخی مسیحیان بهتر هستند، اما اینطور نیستند. آنها بخشی از رستگاری خدا نیستند. مسیحیان کامل هستند.

راستش را بخواهید، بعضی از آنها خیلی بد هستند. همه ما زمانی در این دسته بوده‌ایم، اما رستگاری چیزی است که ما را به حرکت وامی‌دارد و امیدواریم که ما را بالغ کند، بنابراین شناخت خودمان در کتاب مقدس چقدر مهم است؟ ما باید خودمان را بشناسیم. ما موجوداتی هستیم که انواع و اقسام دفاع‌ها را برای دور نگه داشتن مردم انجام می‌دهیم. ما از طریق دستکاری، دیگران را کنترل می‌کنیم. ما صادق نیستیم. ما با کسی صحبت خواهیم کرد که یک چیز فکر می‌کند و چیز دیگری می‌گوید، ما از ریشه گناهکاریم و اما خدا راه حل آن را در عیسی دارد. بنابراین وضعیت بشر، اثرات سقوط هرگز از آنها دور نخواهد شد تا زمانی که رستگاری نهایی فرا برسد. وقتی خدا ما را به سوی خود می‌آورد. اکنون یک بار دیگر، دژاوو، معضل شناخت خدا. ما نمی‌توانیم بدون کلام خدا بر آن تحریف غلبه کنیم. ما گم شده‌ایم. باهوش‌ترین افراد جهان که به کلام خدا گوش نمی‌دهند، به اندازه آنها باهوش نیستند و شاید در جنبه‌های خاصی از زندگی موفق باشند. اما طبق کتاب مقدس، هیچ کس زیر آسمان نیست که نامش نجاتی جز عیسی بیاورد. روی صلیب کار می‌کند. اکنون یک معرفت‌شناسی کتاب مقدسی، فرض سوم. فرض سوم این است که معرفت‌شناسی خدا، تدارکی برای یک جهان سقوط کرده است و ما به اول قرن‌تین ۲، صفحات ۶ تا ۱۶ برمی‌گردیم. من احتمالاً کتاب‌شناسی مقاله کایزر را در این اسلاید قرار خواهم داد. این در جایی از مطالب است و مطمئن می‌شوم که وقتی نسخه خود را دریافت می‌کنید، اینجا باشد. از آنچه که من الان روی صندلی روی صحنه دارم، اما تدبیر معرفت‌شناختی خدا وحی است. خدا با دادن کتاب مقدس بر تحریف غلبه کرد. او آن را به روشی بسیار طبیعی از طریق انسان‌ها به ما داد. اغلب اوقات مسئله دیکته نبود.

خب، چند جا هست که این اتفاق می‌افتد، اما این کار روح‌القدس در زندگی پیامبران و رسولان بود. چه کسی مکاشفه خدا را رمزگذاری کرد تا ما آن را داشته باشیم؟ این برای ما اتفاق نمی‌افتد، این برای آنها اتفاق افتاد رسولان و پیامبران، ما محصول را داریم. ما از بعضی جهات خوشبخت‌تر هستیم زیرا کل محصول را داریم. و می‌توانید در کتاب مقدس بخوانید که آنها مشتاقند به آینده آنچه عیسی قرار بود باشد و انجام دهد، نگاه کنند. حتی پطرس گفت که پولس چیزهایی می‌نویسد که درک آنها دشوار است. دوم پطرس ۳. حتی پطرس گاهی اوقات از کتاب مقدس گیج می‌شد. او گفت برادرمان پولس که در کتاب مقدس دیگر متن بسیار جالبی در مورد کتاب مقدس دارد. و با این حال، اینجا رسولی است که در آن فرهنگ زندگی می‌کرد و با پولس صحبت کرده بود و به اطلاعاتی در مورد پولس در آموزه‌هایش دسترسی داشت، اما هنوز هم با آنچه پولس باید می‌گفت، به چالش کشیده می‌شد. اگر پطرس به چالش کشیده می‌شد، من برای شما خبری دارم. ما واقعاً به چالش کشیده می‌شویم. به همین دلیل است که باید در کتاب مقدس بعدی خود بسیار کوشا باشیم. من قصد ندارم بیشتر در مورد اول قرن‌تین ۲ سخنرانی کنم. در آنجا مقاله‌ای را اینجا قرار می‌دهم که می‌توانید آن را بخوانید زیرا باید خودتان آن را تهیه کنید و به نظر من هیچ جمله‌ای بهتر از مقاله والتر کایزر در مورد الهام و کتاب مقدس وجود ندارد و در وست‌مینستر ژورنال است و وقتی اسلایدها را گرفتید، آن را در اسلاید خواهم داشت. خب، دوباره به آن برمی‌گردیم. مطمئناً، الان از آن خسته شده‌اید، اما امیدوارم که از آن خسته شده باشید.

شما آن را در رویاهایتان می‌بینید. خب، رویاها از شلوغی افکار روزانه بیرون می‌آیند، و بنابراین، بنابراین، من قصد دارم به رویاهای شما حمله کنم. خب، جهان‌بینی چیست؟ خب، جهان‌بینی یک سیستم مفهومی است. لنز، One Live یک سیستم مفهومی است. یک لنز است. این عینک‌ها، لنز هستند، و برخی افراد لنز تقدس را به چشم می‌زنند. کتاب مقدس از بسیاری جهات تابع ماست، و این بخشی از Presbyterian،

تنوعی است که خدا نه تنها اجازه داده، بلکه مقرر کرده و چرا این کار را کرده است. ما تا زمانی که همه چیز تمام نشود، نمی‌دانیم، اما ما لنز داریم، و جهان‌بینی لنز ماست.

این یک چارچوب ذهنی، یک سیستم مفهومی است. حالا، وقتی به متن کلام خدا می‌رسیم، متنی را می‌خوانیم که همیشه آن لنزها را روی آن داریم، به همین دلیل است که باید خودمان را منظم کنیم تا لنزهای مختلف را درک کنیم تا بتوانیم از پشت لنزهای آنها و ساختارهای خلاقانه‌شان برگردیم و این سوال را بپرسیم. متن واقعاً چه می‌گوید؟ من یک محقق هستم، هر چقدر هم که محقق باشم. من در عهد جدید هستم؛ من در کتاب مقدس هستم. من الهیات زیادی انجام می‌دهم، اما خودم را متکلم نمی‌نامم زیرا این یک حوزه عظیم است. من فقط سعی می‌کنم کتاب مقدس را مطالعه کنم و نمی‌توانم همه این کارها را انجام دهم، بنابراین می‌خواهم به متنی که به ما داده شده است بپردازم و سپس آن زمینه‌سازی را در مورد معنای فعلی آن برای ما انجام دهم و این کافی است تا همه ما را مشغول نگه دارد. دوباره، ممکن است به عنوان یک فرد عادی در موقعیتی باشید که بگویید، ای کاش می‌توانستم این کار را انجام دهم.

کاش می‌توانستم شغلم را رها کنم و به خاطر دوست داشتن کاری که نمی‌توانی برای خانواده‌ام انجام دهی، استعفا دهم و بیشتر یاد بگیرم. خب، این جایگاه تو در زندگی است. این ندای خداست که تو را به جایی که الان هستی فرا می‌خواند، و تو تمام تلاشت را می‌کنی. به این سخنرانی‌ها گوش می‌دهی. آن را درک می‌کنی و در موردش فکر می‌کنی. دوباره به آنها گوش می‌دهی، و تو و در رشد به عنوان یک فرآیند مادام‌العمر. ما باید در تمام طول عمرمان یادگیرنده باشیم و کنجکاوی مادام‌العمری در مورد آنچه کتاب مقدس می‌آموزد داشته باشیم تا تنوع را در لنزهایی که باید از طریق آنها کار کنیم، ببینیم. ما دنیای خود را می‌بینیم. ما خودمان را می‌بینیم. دانش مشترک زیادی بین مسیحیان وجود دارد، اما هنوز تفاوت‌هایی وجود دارد. این پیش‌فرض‌ها و اعتقاداتی است که ما داریم و آنها را در زندگی خود تشخیص می‌دهیم و به کار می‌بریم. آنها اساساً جهان‌بینی ما هستند. اکنون، همه مسیحیان یک جهان‌بینی مشترک دارند، اما ما بخش‌هایی از جهان‌بینی خود را داریم که از منابع دیگری آمده است، و به همین دلیل است که باید به طور مداوم جهان‌بینی خود را تحت فشار قرار دهیم و به چالش بکشیم. اکنون.

جهان‌بینی شامل چه چیزهایی است؟ جهان‌بینی ما چگونه تفسیر ما از خودمان در جهان را متمرکز می‌کند؟ تفسیرهای مختلف از داده‌های یکسان چه چیزی را در مورد واقعیت نشان می‌دهند؟ من اشاره کردم که این بخش بزرگی از حکم خداست که او تنوع را مقرر کرده است، و ما پاسخی نداریم، اما آن را داریم، و باید آن را بپذیریم و با آن کنار بیاییم و در این فرآیند او را ستایش کنیم. بسیار خوب، حالا، اجزای یک جهان‌بینی آن کسی باشم که هستم؟ B، چیست؟ پاسخ‌ها: من کیستم؟ به این هستی‌شناسی می‌گویند. به عنوان یک خب، من تصویر خدا را می‌سازم. من نماینده او هستم، نه نماینده او، بلکه نماینده او. او مرا فراخوانده تا مقدس باشم، زیرا او مقدس است.

او مرا به اطاعت فراخوانده است. او مرا به چیزهای زیادی فراخوانده است که در آن صورت انجامشان می‌دادم. می‌توانم ده بار زندگی کنم و هرگز به آنها نرسم، اما باید به دنبال این باشم که چه کسی هستم. من فردی هستم که به تصویر خدا آفریده شده‌ام و از جانب خدا و پسرش عیسی مأموریت یافته‌ام تا اراده او را در این دنیا محقق کنم؟ من چه می‌دانم؟ معرفت‌شناسی. خب، ما چیزهای زیادی می‌دانیم و همه ما تخصص‌هایی داریم. برخی از شما مهندس هستید، برخی معلم هستید و برخی دیگر ماشین و اتوبوس تعمیر می‌کنید تا بقیه ما بتوانیم رفت و آمد کنیم.

این یک موهبت عظیم است که بتوانیم این کار را انجام دهیم. همه ما، صرف نظر از هر کاری که در زندگی انجام می‌دهیم، مانند بدن مسیح هستیم. ما جایگاه معناداری برای تحقق بخشیدن به تصویر خدا و کار کردن مانند در باغ و تأمین نیازهای خود داریم. شاید خدا برخی را به جایگاه معلم بودن و توانایی وقف زندگی خود به آن فرا بخواند. برای کمک به شما، ما به این اعتماد داریم که از آن استفاده خواهید کرد. من چه می‌دانم؟ من

چه می‌دانم؟ دانش یک چیز در حال رشد است، اما ما برخی اصول اولیه را می‌دانیم و اصول اولیه همان چیزی است که خدا در کار خود به ما داده است. او ما را تنها نگذاشته است. او به ما ارتباطی داده است که زندگی ما را صرف باز کردن می‌کند و فقط تا همین جا پیش می‌رود. ما باید الگویی برای پاسخ به سؤالاتی که در زندگی برای ما پیش می‌آید، داشته باشیم و این چیزی است که من سعی می‌کنم در آن به شما کمک کنم. علاوه بر این، چه باید بکنم؟ پس هستی‌شناسی؟ معرفت‌شناسی، ارزش‌شناسی، اکسیوس کلمه یونانی برای ارزش‌ها است. در واقع، ارزش‌شناسی چیزی است که من باید انجام دهم. من به چه چیزی ارزش می‌دهم و زندگی را چگونه انجام دهم؟ چگونه از خدا اطاعت کنم؟ خب، برای پاسخ به این سوال، کلی کتاب مقدس دارید، و خب، این رسالت ماست.

دعوت ما این است که به کتاب مقدس عمل کنیم و از خدا اطاعت کنیم، و وقتی به آنجا رسیدیم، می‌خواهم در مورد مفهوم عشق به عنوان بخشی از آن پیمان اطاعت از خدا با شما صحبت کنم. باشه؟ حالا، دوباره به این موضوع برگردیم. خب، از این خسته خواهید شد. خب، اما امیدوارم فراموشش نکنید. امیدوارم بتوانید آن را ترسیم کنید، با دیگران به اشتراک بگذارید و به آنها نیز کمک کنید تا به جلو حرکت کنند، اما برای تغییر من، جهان بینی و ارزش‌های شما در حال تغییر است و با پیشرفت در زندگی و یادگیری چیزهای دیگر در حین دنبال کردن کلام خدا، این [مفهوم] مورد تجدیدنظر قرار خواهد گرفت. بگذارید فقط یک مثال کوچک برای شما بزنم. این کتاب مقدس کینگ جیمز بود که سلطنت می‌کرد. این بود که آیه‌ای وجود دارد که در اول... تسالونیکیان

می‌گوید از همه مظاهر شر دوری کنید. این ترجمه کینگ جیمز است: «از همه مظاهر شر دوری کنید.» دارم به شما می‌گویم که آن آیه به اهرمی برای مردم تبدیل شد تا مردم را به شیوه تفکر خودشان وادارند. شما نمی‌توانید به رستورانی بروید که الکل سرو می‌کند، چون در میان شر هستید. باید از همه والدین شر دوری کنید. بنابراین این به عنوان مدرکی برای این شد که بگویید می‌توانید در شرایطی که ممکن است چیزی شبیه به آن سرو کنند، برای یک وعده غذایی خوب بیرون بروید. اوه، و یا برای رفتن به یک مسابقه فوتبال یا تماشای تلویزیون یا هر چیز دیگری.

ممکن است که آیه یک اهرم فشار بوده باشد. ترجمه‌های بهتری ارائه شد تا نشان دهد که حدس می‌زنم چیزی که ما یاد گرفتیم این بود که شاه جیمز چیزی را به ما داد که چیزی را ایجاد کرد که به عنوان گناه ناشی از تداعی شناخته می‌شود. از همه مظاهر شر اجتناب کنید، و آیه این را نگفت. محور آیه در واقع می‌گوید از هر نوع شری اجتناب کنید. کلمه ظهور آنجا نیست. از هر نوع شری اجتناب کنید؛ این یک بازی بی‌فایده است. این در مورد گناه ناشی از تداعی نیست. این در مورد ظهور نیست. این در مورد تعریف انواع است، و حدس بزنید که این تعریف را از کجا می‌آورید. این درست از خود متن است، بنابراین کارهای زیادی برای انجام دادن وجود دارد. تحول یک فرآیند منطقی است، و من می‌خواهم تأکید کنم که انتقال تحول یک فرآیند منطقی مبتنی بر آموزه‌های کتاب مقدس است. حال، ممکن است این سؤال را بپرسید: خب، شما چیز زیادی در مورد زندگی عبادی نگفتید. در مورد عبادات صبحگاهی‌تان چطور؟ در مورد خواندن کتاب مقدس چطور؟ خب، خیلی خوب می‌شد اگر جهان بینی، ارزش‌ها و درک شما از کتاب مقدس می‌توانست شما را به آنچه کتاب مقدس می‌گوید هدایت کند تا نیایش‌هایتان دقیق باشند. نیایش‌ها به خودی خود عالی هستند، اما به توانایی شما در خواندن کتاب مقدس بستگی دارند. نیایش‌ها از کتاب مقدس استخراج نمی‌شوند. خواندن کتاب مقدس به مدت ۱۵ دقیقه در صبح، بیرون رفتن در طول روز و فراموش کردن آنچه می‌خوانید. آیا راز زندگی مسیحی همین نیست؟ بهتر است یک فرهنگ لغت کتاب مقدس بخوانید که در آن مقاله‌ای پیدا می‌کنید که چیزی در مورد کتاب مقدس توضیح می‌دهد. شاید کتاب مقدس را بخوانید و یک کلمه در آن وجود داشته باشد.

اگر نمی‌فهمید، یک فرهنگ لغت تک جلدی را بیرون می‌آورید. فرهنگ لغت کتاب مقدس اردمن یک فرهنگ لغت تک جلدی عالی برای داشتن است، و حدس بزنید چه چیزی یاد خواهید گرفت، و وقتی چیزی یاد

بگیرید، بهتر وقف می‌کنید. ذهنیت گرایی در عبادت‌ها بسیاری از مردم را به دردسر انداخته است زیرا تخیل آنها تنها محدودیت آنها در آن لحظه عبادت است، اممم، و آنها فرآیند تفکر در مورد کلام خدا و آنچه کلام خدا از ما انتظار دارد و نحوه اطاعت ما از آن را نادیده گرفته‌اند. این بسیار مهم است. شما در عبادت‌های خود محافظت نمی‌شوید. شما همان چیزی را خواهید گفت که روح القدس به من گفته است. خوب، متاسفم، اما بعداً در مورد آن صحبت خواهم کرد. شما به چیزهایی در مورد آنچه روح انجام می‌دهد و انجام نمی‌دهد، پی خواهید برد. ما بارها روح را سرزنش کرده‌ایم و در واقع خدا را برای چیزهایی سرزنش کرده‌ایم که مشکل خودمان است. از این رو، دگرگونی بر اساس رومیان ۱۲ و ۱ و ۲ یک فرآیند منطقی است که با تغییر ذهن شما با گنجاندن و توسعه آن جهان‌بینی و سیستم ارزشی، دگرگون می‌شود. علاوه بر این، در اینجا یک چیز کوچک وجود دارد که فکر می‌کنم یک دانش‌آموز برای من کشیده است. من در جایی اعتبار آشنایی با آن شخص را دارم، اما این را من نکشیده‌ام. این یک نوع تغییر در این است. شما خدا را در دایره‌ای در ابدیت گذشته دارید. او خود را به اراده خود از طریق واسطه‌های مختلف به نمایندگان انسانی آشکار می‌کند، نه نمایندگان.

ما اینجاییم، و حواریون وحی را در اول قرن‌تین ۲: ۶ تا ۱۶ رمزگذاری می‌کنند و سپس به ما می‌رسد که به آن وابسته می‌شویم و به اطاعت و ترکیب آن در یک جهان‌بینی و ارزش‌های تعیین‌شده وابسته می‌شویم. این فقط یک تغییر دیگر یا نموداری است که فکر کردم ممکن است از آن لذت ببرید. بسیار خوب، ما قبلاً این را دیده‌ایم، اما بیایید دوباره به آن نگاه کنیم. جهان‌بینی شما در مورد آموزش، مراقبت‌های بهداشتی و غیره تصمیم می‌گیرد. فکر می‌کنم همیشه سعی می‌کنم کمی در مورد آموزش در خانه، مدرسه دولتی به شما بگویم. کتاب مقدس در مورد آن متن اثباتی به شما نداده است. در واقع، کتاب مقدس در مورد نحوه انجام مدرسه به شما چیزی نگفته است، جز مطالعه برای نشان دادن تأیید خودتان. آیات کتاب مقدس را در عهد عتیق به گردن خود داشته باشید. کتاب مقدس را حفظ کنید. من در قلبم پنهان کرده‌ام، قلب چیزی است که مال من است، ذهن تا بتوانید در طول روز به آن فکر کنید، همانطور که از خواب بیدار می‌شوید و به رختخواب می‌روید. کتاب مقدس همراه همیشگی مردم بود، زیرا این راهنما است، اما سیاست، سیاست سختی است، مطمئنم که می‌دانید در ایالات متحده، انتخابات بسیار پرشوری داشته‌ایم. ما هنوز هیچ کودتایی نداشته‌ایم اما واقعیت این است که ما در ایالات متحده انتخابات بسیار پر هرج و مرج و طولانی مدتی داشته‌ایم. و بنابراین، در نتیجه، مسیحیان به این موضوع توجه می‌کنند.

چگونه به یک رئیس‌جمهور رأی دهیم؟ خوب، مسیحیان می‌گویند من به رئیس‌جمهوری رأی می‌دهم که مخالف سقط جنین اجباری باشد، خوب، این ارزشی است که بسیاری از ما به عنوان مسیحی داریم، اما شما باید سوالات بیشتری از این پرسید در مورد کسی که احتمالاً یکی از قدرتمندترین ملت‌های جهان با وحشتناک‌ترین سلاح‌های در دسترسش را دارد. بنابراین انواع مختلفی از مسائل وجود دارد که یک مسیحی با این سوالات به آنها می‌رسد، اما همه آنها باید با درک ما از جهان‌بینی و ارزش‌هایمان قضاوت شوند. ما همیشه آنچه را که می‌خواهیم به دست نمی‌آوریم و باید به عملکرد خوب و قاطع خدا در رابطه با جهان خود تکیه کنیم. ممکن است در این زمینه چیزهایی ببینیم که ما را آزار می‌دهد و ممکن است برخی از آن چیزهایی را که ما را آزار می‌دهد، به وجود آوریم. چیزهای زیادی برای فکر کردن در مورد مثال ابراهیم و لوط و تصمیمات آنها وجود دارد. علیرغم جهان‌بینی، ابراهیم و لوط در دانش برابر شرکت داشتند. ابراهیم آنچه را که خدا به او وحی کرد، به اشتراک گذاشت. او کسی بود که خدا از طریق او در زمینه فیزیکی لوط وحی شد، و من فکر می‌کنم شب‌ها دور آتش، ارتباط شفاهی منتقل می‌شد. گفتار شفاهی، اساس ابزار ارتباطی خدا در آن دوره بود. شما باید به فصل‌های ۱۷ و ۱۹ تا ۱۹ پیدایش نگاه کنید، آن‌هایی را که در ادامه آمده‌اند بخوانید و ببینید که لوط چگونه تخلف می‌کند. پیامی که او از ابراهیم دریافت کرد این بود که خدای سدوم و عموره در آن دوره شهرهای خوبی نبودند.

آنها اطلاعات موزاییکی را که بعداً آمد، نقض کردند، اما هنوز نیامده است. ما نمی‌دانیم که خدا چقدر به ابرام گفته بود. مطمئنم که برای کنار آمدن آنها کافی بود. آنها می‌دانستند، و کتاب مقدس در روایت منفی پیدایش

کاملاً روشن می‌کند که لوط جای بدی بود. آنجا جایی بود که از بسیاری جهات خدا را نقض کرد. می‌دانید باید بروید و آن را بخوانید و ببینید که چگونه لوط به خاطر گله و علفش تسلیم شد و نه بچه‌هایش، و نتایج آنچه را که برای فرزندانش در این رابطه اتفاق افتاد، می‌بینید. لوط را می‌بینید که در دروازه نشسته است و دروازه محل قدرت سیاسی بود. او قاضی بود و من می‌خواهم که به دوم پطرس، فصل ۲، آیات ۴ تا ۱۰ نگاه کنید، زیرا بدون پطرس دوم، ما هنوز در مورد لوط زیاد کنجکاو بودیم. مردم در مورد شائول مقالاتی نوشته‌اند. آیا شائول پادشاه مؤمن بود و این شگفت‌انگیز است. چند مقاله در مورد این سوال نوشته شده است؟ خب، اگر پطرس نبود، ما بیشتر از هر کسی در مورد لوط مقالات می‌نوشتیم. به فصل ۲، آیه ۴ نگاه کنید. اگر خدا فرشتگان را هنگام گناه امان نمی‌داد، بلکه آنها را به جهنم می‌انداخت و به تغییر تاریکی تاریک متعهد می‌کرد تا آنها را تا داوری نگه دارد. اگر او دنیای باستان را امان نمی‌داد، اما نوح، منادی عدالت را به همراه هفت نفر دیگر حفظ می‌کرد، وقتی که طوفانی بر دنیای بی‌دینان آورد، اگر با تبدیل شهرهای سدوم و عموره به... خاکستر آنها را به نابودی محکوم کرد و آنها را به عنوان نمونه‌ای از آنچه قرار است برای بی‌خدایانی که قوانین خدا را نقض می‌کنند، اتفاق بیفتد، قرار داد و آن زمان حتی هنوز نوشته نشده بود و اگر او اینجا را نجات داده است، من این را قبل از عادل به شما گفتم. یک دقیقه صبر کنید، این باید شما را از خواب بیدار کند.

چطور می‌توانید لوط را عادل بنامید؟ او با دخترانش رابطه جنسی داشت. پس از ترک شهر، موآب و هاموند به دنیا آمدند و آنها برای بقیه تاریخشان خار چشم اسرائیل شدند. اگر او یک گروه عادل را که از رفتار شهوانی شیران به شدت رنج می‌بردند، نجات داد، وقتی روایت پیدایش را می‌خوانید، داستان را می‌دانید. او دخترانش را، به آن افراد هرزه جنسی پیشنهاد داد، نه اینکه آنها را به افرادی که فرشته بودند و به ملاقاتش می‌آمدند بدهد، و شاید کاملاً نمی‌دانست که آن مرد عادل چه طرز فکر پلیدی را هر روز در میان آنها زندگی می‌کرد. او روح عادل خود را عذاب می‌داد. عادل بودن در این زمینه به این معنی نیست که او کار درست را انجام داد بلکه به این معنی است که می‌دانست چه چیزی درست است. حال، یک چیز دشوار وجود دارد: او می‌دانست چه چیزی درست است اما در این مرحله اولیه در کتاب مقدس در تاریخ رستگاری، آن را انجام نداد. این حتی تا زمانی که موسی در همان صحنه ظاهر نشد، ثبت نشده بود.

او می‌دانست چه چیزی درست است اما این کار را نکرد. این یک جای وحشتناک برای قاضی بودن تحت کنترل، مافیا است. هر بار که مجبور می‌شد مطابق با ارزش‌های آن شهر قضاوت کند، ذهن خود را شکنجه می‌داد روح خود را تا اعماق آن با آن تخلف و عواقب زندگی‌اش در آن شهر، خانواده‌اش و دامادهایش که از دست داده بود. این همسرش را از دست می‌دهد که به ویرانی‌ها نگاه می‌کند و در ذهن و زندگی‌اش می‌گوید: از تو متنفرم خدایا. متن نمی‌گوید که این کار را کردم. از تو متنفرم خدایا به خاطر این کار با خانواده‌ام، خانام و اموال متنفرم. و به همین دلیل، او حتی یک نگاه هم به عقب نینداخت. اما او با خشم به عقب نگاه کرد و خدا او را درجا قضاوت کرد. اما با اراده او در رابطه با آن شهر مخالفت کرد، بنابراین ارزش‌هایی که من در مورد آنها موعظه می‌کنم، عنوان موعظه من این است که چگونه یک زندگی وحشتناک داشته باشیم. چگونه یک زندگی وحشتناک داشته باشیم، چگونه با دانستن اینکه چه چیزی درست است و انجام کار اشتباه، یک زندگی وحشتناک داشته باشیم. داشتن ارزش‌ها اما نادیده گرفتن آنها و انکار آنها. اگر مسیحی هستید و آنها را انکار کرده‌اید. ارزش‌هایی که دارید، به هر میزان که آنها را داشته باشید، احساس بدی دارید. باید داشته باشید. این همان اعتقاد است. در واقع، این اعتقاد وجدان شماس است، اما همچنین ممکن است اعتقاد روح باشد به این معنا که شما را متقاعد کند که کلام خدا را نقض می‌کنید، در حالی که این کار را نمی‌کنید. این نقش روح است، نقش روح، اعتقاد است. نقش روح این نیست که به شما بگوید چه کار کنید.

نقش روح این نیست که به شما اطلاعات بدهد. نقش روح این است که شما را در مورد جهان بینی‌هایتان متقاعد کند. جهان بینی و ارزش‌هایی که دارید و کار در رومیان ۱۲: ۱ و ۲ آمده است، بنابراین ارزش‌های ابراهیم و لوط رشد کردند. او دوران بدی داشت، اما رشدش بسیار رو به افول رفت و انتخاب‌های ارادی، اراده و رشد اخلاقی آنها ابراهیم و لوط در جهت اشتباه توسعه یافت. این تصویری شگفت‌انگیز از ارزش‌ها و

چگونگی نقض آنها است که می‌تواند منجر به بدبختی شود، مانند آنچه که یک زندگی بدبختانه را تجربه می‌کنند. زیاد بخوانید و از او به عنوان الگو پیروی کنید، و این کار را خواهید کرد، به خصوص اگر خدا را بشناسید زیرا خدا به شما اجازه نمی‌دهد به راحتی با آن کنار بیایید. احساس بدی خواهید داشت. تا زمانی که آن اعتقادات را در خود پرورش ندهید، محکوم خواهید شد. شما یک فرد بدبخت خواهید بود، پس باشد که خدا شما را از آن نجات دهد. حال، احتیاط: جهان‌بینی و ارزش‌های ما همیشه باید توسط کلام خدا تأیید شوند. ما به خودی خود در مورد این چیزها صاحب نظر نیستیم، اما باید آنها را از طریق کتاب مقدس تأیید کنیم، و این کار کل کلیسا است. کار جوامع با آنها در کل کلیسا، همانطور که ما خود را به سمت اطاعت از خدا پیش می‌بریم. پولس را در نظر بگیرید، زمانی که در کتاب اعمال رسولان مسیحیان را آزار می‌داد، و او ممکن است در حضور استیفا ن بوده باشد. او مطیع جهان‌بینی خود بود.

او از زندانی کردن مسیحیان، حتی با دیدن مرگ آنها، احساس خوبی داشت. از اینکه به خدا خدمت می‌کرد احساس خوبی داشت. جهان‌بینی و ارزش‌های او به عنوان یک معلم در اسرائیل، به عنوان کسی که زیر نظر یکی از معلمان بزرگ آن زمان درس خوانده بود، بسیار تثبیت شده بود. او چنان در وجودش ریشه دوانده بود که عیسی مجبور شد در جاده دمشق به سرش بزند و بگوید گوش کن، پولس. باید رک و راست باشی، و او هم رک و راست حرفش را زد، و بین پولس چه شد. پولس بیشتر عهد جدید را ننوشت. او بیشترین موارد عهد جدید را نوشت، اما لوقا در واقع بخش عمده آن را نوشت. لوقا و اعمال رسولان به طور عمده بسیار بزرگ هستند. مری لوقا چه کسی بود؟ پولس بود. بنابراین، وقتی او کلیسا را آزار و اذیت می‌کرد، مطیع جهان‌بینی خود بود. او احتمالاً استیون استون را داشت. جهان‌بینی و ارزش‌های او قبل از عیسی درست نبود، اما اکنون نیاز به تنظیم داشت. پولس آنقدر به جهان‌بینی و ارزش‌هایش وفادار بود که خدا مجبور به مداخله شد و پولس تغییری ایجاد کرد و ما نتایج آن را می‌بینیم. خودت را بشناس. می‌دانی، اکثر ما هرگز این امتیاز را نداریم که بیرون از خودمان بایستیم و به رفتارمان نگاه کنیم. اینکه چگونه با دیگران رفتار می‌کنیم، چگونه با خودمان رفتار می‌کنیم، چگونه در خانواده‌مان رفتار می‌کنیم. ما گاهی اوقات نسبت به خودمان کور هستیم. یک شاعر بی‌اعتقاد به نام ثورو وجود داشت که در این مورد اظهار نظر کرد: زندگی بدون بررسی ارزش زیستن ندارد. افرادی که خودشان را نمی‌شناسند، بدبخت‌ترین نوع مردم هستند. زیرا آنها در زندگی دست و پا می‌زنند و سعی می‌کنند زندگی را طوری دستکاری کنند که چیزی باشد که خودشان می‌خواهند. حتی سعی می‌کنند خدا را طوری دستکاری کنند که چیزی باشد که آنها می‌خواهند.

خب، او همیشه صبورانه آنجا می‌نشیند و منتظر می‌ماند تا آنها او را بشناسند تا بتوانند خودشان را بشناسند. همه ما باید در حفظ آگاهی خود از اینکه جهان‌بینی و ارزش‌های ما با کلام خدا مطابقت دارد، کوشا باشیم تا تصمیماتی که در زندگی می‌گیریم مطابق با اراده او باشد. بسیار خوب، خب، این جنرال موتورز است. مطمئناً شماره درست را برای اینجا می‌آورم؟ اوه، خب، من صفحات زیادی را تمام کردم، جنرال موتورز ۷، و آن جزوه را که به آن نپرداختم به تو دادم، که در یادداشت‌هایت داری. ما در مورد جهان‌بینی و ارزش‌ها صحبت کرده‌ایم، اما بیشتر در مورد جهان‌بینی و نحوه تنظیم آن صحبت کردیم. در درس بعدی، جنرال موتورز ۸، درس بعدی در مورد ارزش‌ها خواهد بود تا ببینیم چگونه از جهان‌بینی ما عمل می‌کنند. امیدوارم این به شما کمک کند، و اطمینان دارم که خداوند در طول روز شما را برکت خواهد داد.